

The Contagion of Middle Eastern Regional Rivalries to the Western Indian Ocean: Key Drivers, Implications, and Challenges

Ramin Bakshi
Taliabi  *

PhD student in International Relations, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran

Majid Abbasi 

Associate Professor, Department of International Relations, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran

Abstract

In recent years, the Horn of Africa has visibly begun to play a more distinct role in international relations. The Horn of Africa and the waters of this region host the competition between the countries of the region and the influence of foreign actors. The region has increasingly become a part of the regional politics of the Middle East and hosts competition between regional powers such as Turkey, the United Arab Emirates, Qatar, Saudi Arabia, Egypt, and Iran. It is very important to express how each country formulates its agenda for the region. Therefore, this article seeks to explain how each regional power develops policies with each of the Horn of Africa countries to contextualize a strategy that is dependent on the region. The conflicts of the Middle East countries in the Horn of Africa have weakened this unstable political region. The projects of the Middle East countries to assert their power and the competition to build military bases have threatened the security of this region by exporting the regional rivalries of the Middle East to the Horn of Africa. While this article focuses on the motives and means of involvement of these actors in the politics of the Horn of Africa, it also focuses on the patterns. It also focuses on the relationship between these foreign powers and the countries of the Horn of Africa. This article aims to produce a policy-oriented analysis as well as a framework regarding the role of external actors in Horn of Africa politics.

Keywords: Horn of Africa, Middle East Countries, Competition, Geopolitics, Security.

*Corresponding Author: bakhshiramin14@yahoo.com

How to Cite: Bakshi Taliabi, R., Abbasi, M. (2024). The Future Studies of Sina Port and Marine Services Development Company in the Horizon of Five Years. *Marine and Port Servicesch*, 1(3), 111-138.

سرایت رقابت‌های منطقه‌ای خاورمیانه به دریای سرخ و شاخ آفریقا: محرک‌های کلیدی، پیامدها و چالش‌ها

دانش آموخته دکتری رشته روابط بین الملل، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

رامین بخشی تلیابی * ID

دانشیار رشته روابط بین الملل، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

مجید عباسی ID

چکیده

شاخ آفریقا در سال‌های اخیر به طور مشهودی شروع به ایفای نقشی متمایزتر در روابط بین‌الملل کرده است. شاخ آفریقا و آب‌های این منطقه میزبان رقابت بین کشورهای منطقه و نفوذ بازیگران خارجی است. این منطقه به طور فزاینده‌ای بخشی از سیاست‌های منطقه‌ای خاورمیانه شده و میزبان رقابت میان قدرت‌های منطقه‌ای مانند ترکیه، امارات متحده عربی، قطر، عربستان سعودی، مصر و ایران است. بیان چگونگی تدوین دستور کار هر کشور برای منطقه بسیار مهم است. بنابراین، این مقاله به دنبال توضیح چگونگی ایجاد سیاست‌ها توسط هر قدرت منطقه‌ای با هر یک از کشورهای شاخ آفریقا برای زمینه‌سازی استراتژی‌ای است که به منطقه وابسته است. درگیری‌های کشورهای خاورمیانه در شاخ آفریقا، این منطقه سیاسی ناپایدار را تضعیف کرده است. طرح‌های قدرت‌نمایی کشورهای خاورمیانه و رقابت برای ساخت پایگاه‌های نظامی، با صادرات رقابت‌های منطقه‌ای خاورمیانه به شاخ آفریقا، امنیت این منطقه را تهدید کرده است. در حالی که این مقاله بر انگیزه‌ها و ابزارهای دخالت این بازیگران در سیاست‌های شاخ آفریقا تمرکز دارد، همچنین بر الگوهای ارتباطی بین این قدرت‌های خارجی و کشورهای شاخ آفریقا نیز تمرکز می‌کند. این هدف مقاله تولید تحلیلی سیاست‌محور و همچنین چارچوبی در رابطه با نقش بازیگران خارجی در سیاست‌های شاخ آفریقا است.

کلیدواژه‌ها: شاخ آفریقا، کشورهای خاورمیانه، رقابت، ژئوپلیتیک، امنیت.

مقدمه

رقابت‌های منطقه‌ای در خاورمیانه به یکی از پیچیده‌ترین و پویاترین دینامیک‌های ژئوپلیتیک در جهان تبدیل شده‌اند که فراتر از مرزهای جغرافیایی این منطقه تأثیر می‌گذارند. این رقابت‌ها که به‌طور عمده بین کشورهای قدرتمندی مانند عربستان سعودی، ایران، امارات متحده عربی و ترکیه جریان دارند، اکنون به مناطقی فراتر از خاورمیانه و به‌ویژه به شاخ آفریقا سرایت کرده‌اند. این منطقه که از نظر استراتژیک و اقتصادی اهمیت بسیاری دارد، به میدان جدیدی برای رقابت بر سر نفوذ، دسترسی به منابع طبیعی و تأمین امنیت خطوط دریایی تبدیل شده است.

شاخ آفریقا به دلیل موقعیت جغرافیایی خاص خود و نزدیکی به گذرگاه‌های حیاتی مانند تنگه هرمز و باب‌المنندب، برای کشورهای خاورمیانه اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد. رقابت برای کنترل این منطقه تنها محدود به نفوذ سیاسی و نظامی نیست، بلکه شامل ابعاد اقتصادی، فرهنگی و ایدئولوژیک نیز می‌شود. صادرات رقابت‌های منطقه‌ای خاورمیانه به این منطقه، با توجه به تحولات اخیر از جمله درگیری‌های یمن، افزایش حضور نظامی و سرمایه‌گذاری‌های کلان در زیرساخت‌های بندری و کشتیرانی، بیش‌ازپیش مشهود شده است. شاخ آفریقا از نظر استراتژیک بسیار مهم است زیرا شامل نقاط کلیدی تنگه دریایی باب‌المنندب و کانال سوئز است. در سال ۲۰۱۸، روزانه تقریباً ۶,۲ میلیون بشکه نفت از باب‌المنندب به سمت آسیا و اروپا جریان داشت. مسیرهای دریایی که از این منطقه عبور می‌کنند، یک نقطه حیاتی در شبکه انرژی جهانی و همچنین پویایی امنیت اقتصادی هستند (Sankalp, 2021).

کانال سوئز، دریای سرخ، باب‌المنندب و خلیج عدن میدان نبرد قدرت‌های جدید خاورمیانه برای تسلط بر این زیرمنطقه است. عربستان سعودی، ایران، امارات متحده عربی، قطر، مصر و همچنین ترکیه، تلاش می‌کنند تا نفوذ ژئوپلیتیک در شاخ آفریقا و آب‌های این منطقه کسب کنند. در این آبراه‌ها، بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی منافع امنیتی و انرژی (مانند آزادی کشتیرانی) را به اشتراک می‌گذارند، همچنین برای ائتلاف‌های محلی، بنادر

تجاری و یا توافق‌نامه‌ها و پایگاه‌های نظامی بیش‌ازپیش رقابت می‌کنند (Eleonora, 2018).

امارات متحده عربی، عربستان سعودی و قطر همگی به‌طور فزاینده‌ای در امور سیاسی، اجتماعی و اقتصادی منطقه فعال بوده‌اند. بازیگران سنتی تر مانند ترکیه و مصر نیز در سال‌های اخیر در چشم‌انداز سیاسی اطراف شاخ آفریقا نفوذ بیشتری پیدا کرده‌اند. درحالی‌که ترکیه همچنان روابط تاریخی با کشورهای اطراف شاخ آفریقا مانند سومالی و اتیوپی دارد، روابط مصر با کشورهای اطراف شاخ آفریقا به دلیل مسائل مربوط به آب به‌طور فزاینده‌ای پرتنش شده است. از سوی دیگر، ایران تلاش می‌کند تا به یک بازیگر تأثیرگذار در منطقه شاخ آفریقا تبدیل شود، اول برای بهره‌برداری از هر فرصتی برای کسب منافع سیاسی و اقتصادی و دوم برای جلوگیری از افزایش حوزه نفوذ رقبای خلیج فارس خود، عمدتاً عربستان سعودی و امارات متحده عربی.

چهار دلیل عمده وجود دارد که چرا شاخ آفریقا اهمیت بیشتری از همیشه دارد. اول، کشورهای اطراف شاخ آفریقا به اقتصادهای بزرگ‌تری تبدیل شده‌اند که پتانسیل رشد بیشتری دارند. رشد اقتصادی در سراسر منطقه بالاست. کل تولید ناخالص داخلی منطقه تقریباً ۱۸۸ میلیارد دلار آمریکا است (انوشه، ۱۳۸۷).

دوم، شاخ آفریقا در قلب مسیرهای بسیار استراتژیک از هند به خلیج عدن، دریای سرخ و مدیترانه قرار دارد؛ بنابراین، کمربند ساحلی شاخ آفریقا، شامل اریتره، جیبوتی و سومالی، باید به یک خط ساحلی امن تبدیل شود تا ایمنی تجارت از اقیانوس هند از طریق مدیترانه را تضمین کند (Rondos, 2016). سوم، چین به‌طور فزاینده‌ای در منطقه فعال بوده است و قدرت‌های جهانی دیگر، مانند ایالات متحده و روسیه را مجبور کرده است تا سیاست‌هایی را نسبت به منطقه توسعه دهند. این امر بازیگران منطقه‌ای را نیز جذب می‌کند تا در سیاست‌های شاخ آفریقا دخالت کنند (Ursu and Van Den Berg 2018, 6).

سرانجام، رقابت‌های بین بازیگران منطقه‌ای به شاخ آفریقا گسترش یافته است زیرا کشورهایی مانند مصر، عربستان سعودی، ترکیه، امارات متحده عربی و قطر این منطقه را

به‌عنوان محلی برای رقابت در نظر گرفته‌اند. متحدان خلیج فارس عربستان سعودی و امارات متحده عربی روابط خود را با اریتره و سومالی لند جداشده تقویت کردند و به آن‌ها اجازه داده شد تا پایگاه‌های نظامی در منطقه بسازند یا اجاره کنند. ترکیه همراه با شریک خود قطر، یکی از اهداکنندگان اصلی کمک‌های بشردوستانه به دولت سومالی است (Larssen and Stepputat, 2019).

افزایش نقش قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای به‌عنوان تأمین‌کنندگان امنیت، منطقه شاخ آفریقا را به قربانی اصلی تنش‌های سیاسی خارجی تبدیل کرده است؛ بنابراین، هر نوع تنش سیاسی از اقیانوس اطلس تا اقیانوس آرام و از تنگه هرمز تا شرق مدیترانه تأثیر عمیقی بر دینامیک سیاسی و امنیتی زیرسیستم منطقه‌ای شاخ آفریقا دارد. در دو دهه گذشته، اگر بخواهیم منطقه شاخ آفریقا را از منظر موقعیت ممتاز بازیگران خارجی در دیکته کردن روایت‌های سیاسی و امنیتی منطقه در نظر بگیریم، نظم منطقه‌ای و یا زیرسیستم منطقه‌ای بیش‌ازپیش ناپایدار و چندقطبی شده است. نقش فعال فزاینده بازیگران نوظهور خاورمیانه (یعنی عربستان سعودی، امارات متحده عربی، مصر، قطر، ایران و ترکیه) از یک‌سو و بازیگران سنتی جهانی در منطقه (یعنی آمریکا، بریتانیا، فرانسه و روسیه) از سوی دیگر، پیچیدگی سیاسی، ایدئولوژیک و اقتصادی منطقه شاخ آفریقا را افزایش داده است که گاهی به فروپاشی نظم منجر می‌شود (Todman, 2018).

علاوه بر این، بحران‌های شورای همکاری خلیج فارس - قطر (۲۰۱۷) از یک‌سو و جنگ سرد عربستان سعودی - ایران از سوی دیگر، رقابت ایدئولوژیک و سیاسی بازیگران خاورمیانه را به زیر سیستم شاخ آفریقا وارد کرده است. همچنین، بهار عربی (۲۰۱۱) که باعث «گسست روان‌شناختی و معرفت‌شناختی» در خاورمیانه شد و جنگ یمن (۲۰۱۵) که خاورمیانه نیابتی را به جوش آورد، به زیر سیستم سرایت کرد (Gerges, 2014, p. 1).

این مقاله از روش تحقیق کیفی استفاده کرده و با استفاده از تحلیل محتوای اسناد، منابع متنی، منابع اولیه و ثانویه مرتبط داده‌ها و اطلاعات را از منابع مختلف مانند مقالات تحقیقاتی، مقالات نظر، وب‌سایت‌ها، مجلات آنلاین و کتاب‌ها/کتاب‌های الکترونیکی

بررسی کرده است. این پژوهش از طرح تحقیق اکتشافی استفاده می‌کند تا به درک عمیقی از محرک‌ها، پیامدها و چالش‌های سرایت رقابت‌های منطقه‌ای خاورمیانه به شاخ آفریقا و دریای سرخ دست یابد. طرح تحقیق اکتشافی به محقق امکان می‌دهد که بدون فرضیات اولیه سفت‌وسخت، به کاوش در موضوع و کشف الگوها و روابط پنهان بپردازد. این مقاله بر چرایی و چگونگی درگیری فزاینده شش بازیگر اصلی منطقه‌ای در حوزه سیاسی منطقه شاخ آفریقا تمرکز خواهد کرد. توضیحات مختلفی برای دخالت هر بازیگر در چشم‌انداز سیاسی و اجتماعی منطقه وجود دارد. هدف این مقاله ترسیم تصویری گسترده از ماهیت این درگیری‌ها و انگیزه‌های بازیگران برای مشارکت آن‌هاست.

پیشینه نظری

شاخ آفریقا به دلیل موقعیت استراتژیک و اهمیت اقتصادی خود، به میدان جدیدی برای رقابت‌های ژئوپلیتیک تبدیل شده است. نظریه رئالیسم تهاجمی که بر رقابت دائمی قدرت‌ها برای نفوذ و برتری تأکید دارد، چارچوب نظری مناسبی برای تحلیل این پدیده فراهم می‌کند. این نظریه بر این فرض استوار است که نظام بین‌المللی ذاتاً آنارشیک است و کشورها در تلاش برای حفظ بقای خود، به دنبال افزایش قدرت و امنیت نسبی هستند. در چارچوب این نظریه، رقابت بر سر نفوذ و قدرت میان کشورها اجتناب‌ناپذیر است و همین امر منجر به برخوردهای منطقه‌ای و جهانی می‌شود.

پژوهش نظری میرشایمر با لیبرالیسم که در آن انتظار می‌رود روابط اقتصادی کشورها را به همکاری سوق دهد، در تضاد است. طبق رئالیسم تهاجمی، بازیگر اصلی در امور بین‌المللی دولت است. در این دیدگاه، هر دولت باید در دنیایی خطرناک که هیچ عامل واقعی برای تنظیم روابط بین کشورها وجود ندارد، زنده بماند؛ بنابراین هر دولت باید بقای خود را تضمین کند. در این منوط، قدرت تنها ابزار برای تضمین بقاست. بقا با هژمونی تضمین می‌شود و دولت‌ها به دنبال کسب منافع به هزینه یکدیگر هستند؛ بنابراین، اولویت هر دولت نه داشتن یک منطقه باثبات، بلکه به حداکثر رساندن نفوذ است. این امر تمایل قدرت‌های منطقه‌ای به ورود به رقابت‌ها را علی‌رغم پیامدهای منفی مانند بی‌ثباتی،

تروریسم، قحطی، تلفات غیرنظامی و غیره توضیح می‌دهد. (میرشایمر، ۱۳۹۸). این نظریه مدعی است که هدف همیشه شکست دادن نیست، بلکه تخلیه منابع دولت دیگر و تبدیل درگیری به جنگ فرسایشی است. این رقابت همچنین توسط منطق بازی با حاصل جمع صفر هدایت می‌شود که در آن هر کشور منفعت کشور دیگر را به‌عنوان ضرر برای خود می‌بیند و بدین ترتیب رقابت را در مناطق مختلف تشدید می‌کند. (Griira, 2020). همچنین، این نظریه فرض می‌کند که دولت‌ها نیت تجدیدنظرطلبانه دارند که هدف آن‌ها تغییر سیستم‌های موجود و تأثیرگذاری بر وضعیت سایر کشورها برای به حداکثر رساندن نفوذ است، به‌جای اینکه فقط با وضع موجود سازگار شوند. (Kirkpatrick, 2015). این نظریه بیان می‌کند که سیستم‌های چندقطبی که دارای چندین دولت قوی با پتانسیل تبدیل شدن به هژمون هستند، خطرناک‌ترین سیستم‌ها هستند. این وضعیت در منطقه خاورمیانه با عربستان، ترکیه و ایران به‌عنوان دولت‌های قدرتمندی که پتانسیل تبدیل شدن به هژمون را دارند، صدق می‌کند.

شرایط لازم برای اجرای رئالیسم تهاجمی عبارت‌اند از: هرج و مرج؛ داشتن توانایی‌های نظامی تهاجمی؛ بی‌اعتمادی به نیت یکدیگر؛ بقا به‌عنوان هدف اصلی دولت؛ و این واقعیت که دولت‌ها بازیگران عقلانی هستند. هرج و مرج به‌عنوان پیش‌شرط رفتار رئالیسم تهاجمی در دهه گذشته به دلیل دو عامل تشدید شده است: عقب‌نشینی آمریکا و بهار عربی. (Salem, 2018).

در چارچوب این نظریه، رقابت بر سر نفوذ و قدرت میان کشورها اجتناب‌ناپذیر است و همین امر منجر به برخوردهای منطقه‌ای و جهانی می‌شود. کشورهایی مانند عربستان سعودی، ایران، امارات متحده عربی و ترکیه، به‌عنوان بازیگران کلیدی خاورمیانه، به دنبال گسترش نفوذ خود به شاخ آفریقا هستند. نظریه رئالیسم تهاجمی توضیح می‌دهد که این کشورها به دلیل نیاز به تقویت امنیت خود و جلوگیری از نفوذ رقبای، به سیاست‌های تهاجمی و گسترش طلبانه در این منطقه روی آورده‌اند. کشورهای خاورمیانه به‌ویژه امارات متحده عربی و عربستان سعودی، از طریق تأسیس پایگاه‌های نظامی و انجام مانورهای

نظامی در منطقه، به دنبال تقویت حضور خود در شاخ آفریقا هستند. این اقدامات در راستای افزایش قدرت سخت و ایجاد موازنه در برابر رقبای منطقه‌ای مانند ایران صورت می‌گیرد. رئالیسم تهاجمی این رفتار را به‌عنوان بخشی از تلاش برای افزایش امنیت نسبی و جلوگیری از تهدیدات تفسیر می‌کند. حمایت از گروه‌های نیابتی، شبه‌نظامیان و نیروهای محلی در کشورهای شاخ آفریقا، یکی دیگر از ابزارهای کشورهای خاورمیانه برای گسترش نفوذ خود است. این اقدامات در راستای کاهش نفوذ رقبا و ایجاد منطقه‌ای تحت نفوذ مستقیم یا غیرمستقیم آن‌ها انجام می‌شود.

انگیزه‌های دخالت

انگیزه‌های مختلفی برای دخالت بازیگران منطقه‌ای در تحولات سیاسی منطقه شاخ آفریقا وجود دارد. این انگیزه‌ها می‌تواند به شکل نفوذ سیاسی، منافع اقتصادی، امنیت دریایی و موارد دیگر باشد. هر کشوری که در سیاست‌های شاخ آفریقا دخالت دارد، برخی از این انگیزه‌ها را داراست. انتخاب انگیزه آن‌ها نیز متفاوت است زیرا اولویت‌ها و ماهیت دخالت بسته به مورد تغییر می‌کند (جدول ۱).

در حالی که انگیزه‌های ترکیه و قطر به شدت با قصد آنکارا و دوحه برای کمک به توسعه منطقه‌ای در شاخ آفریقا مرتبط است، انگیزه اصلی برای سایر بازیگران نفوذ سیاسی است (Fenton-Harvey 2019). امارات متحده عربی، عربستان سعودی و مصر هدفشان تبدیل شدن به کشورهای با نفوذ سیاسی برای تغییر پویایی قدرت موجود در منطقه شاخ آفریقا است (Mansour and Ahmed 2019). همچنین می‌توان مشاهده کرد که امارات متحده عربی و عربستان سعودی ثبات منطقه‌ای را به‌عنوان یک انگیزه مهم در نظر نمی‌گیرند، با توجه به اینکه این کشورها از جدایی طلبان مانند سومالی‌لند حمایت می‌کنند (Igrouane, 2019). از سوی دیگر، قاهره طرفدار ادامه ثبات منطقه‌ای است زیرا بی‌ثباتی به‌ر حال تأثیری سرایت‌کننده برای مصر خواهد داشت. از نظر تاریخی، انگیزه اصلی ایران بهره‌برداری و تشدید بی‌اعتمادی میان کشورهای شاخ آفریقا بوده است زیرا تهران تلاش کرده است روابط خود را با کشورهای متخاصم افزایش دهد تا کمک‌های سیاسی،

اقتصادی و نظامی ارائه دهد که می‌تواند به آن کشور در برابر رقبایش کمک کند (Van Genugten and Fikri 2017, 4-5).

جدول ۱. انگیزه‌های بازیگران منطقه‌ای فعال در شاخ آفریقا (منبع: نگارنده)

رقابت منطقه‌ای	ثبات منطقه‌ای	امنیت دریایی	منافع اقتصادی	نفوذ سیاسی	بازیگر
بله	بله	بله	بله	خیر	ترکیه
بله	خیر	بله	بله	بله	امارات متحده عربی
بله	بله	بله	خیر	خیر	قطر
بله	خیر	بله	بله	بله	عربستان سعودی
بله	بله	بله	بله	بله	مصر
بله	خیر	بله	بله	بله	ایران

این یک واقعیت شناخته شده است که امارات متحده عربی، عربستان سعودی و مصر در رقابت شدید برای نفوذ علیه ترکیه و قطر هستند. ایران نیز طی دهه گذشته با محور عربستان-امارات رقابت کرده است. مشاهده می‌شود که این بازیگران تلاش کرده‌اند از دسترسی رقیب خود به منطقه شاخ آفریقا جلوگیری کنند. در این رابطه، تلاش‌های عربستان سعودی برای مسدود کردن قصد ایران برای دخالت در سیاست‌های شاخ آفریقا قابل ذکر است (Al Mustafa, 2015).

در نتیجه این رقابت، بازیگران فوق‌الذکر برای به حداکثر رساندن منافع سیاسی و اقتصادی خود به‌طور فزاینده‌ای در منطقه شاخ آفریقا فعال شده‌اند. به نظر می‌رسد تهاجمی‌ترین کشور در این رقابت امارات متحده عربی است (وریج کاظمی، ۱۴۰۰). طی چند سال گذشته، ابوظبی تلاش کرده است به بازیگر خارجی اصلی در منطقه شاخ آفریقا تبدیل شود (Telci and Horoz, 2018). دلایل مختلفی برای این امر وجود دارد.

اول از همه، از زمان آغاز قیام‌های عربی در سال ۲۰۱۰، امارات متحده عربی

استراتژی سیاست خارجی جدیدی را دنبال کرده است که در سیاست‌های منطقه‌ای و جهانی فعال‌تر است. این کشور در بسیاری از تحولات منطقه‌ای از جمله مصر، لیبی، یمن و شاخ آفریقا مداخله کرده است.

دوم، منطقه شاخ آفریقا از نظر فعالیت‌های اقتصادی برای امارات متحده عربی از اهمیت استراتژیک برخوردار است. ابوظبی این منطقه را به عنوان محلی برای کسب منافع اقتصادی مختلف، از جمله سرمایه‌گذاری در بنادر در نظر می‌گیرد (Melvin, 2019, 13-14). این منطقه میزبان یکی از شلوغ‌ترین مسیرهای تجارت دریایی بین‌المللی است که درصد قابل توجهی از نفت کشورهای خلیج فارس از طریق آن به بازارهای جهانی جریان می‌یابد. امارات متحده عربی برای تأمین امنیت این مسیر و تبدیل شدن به یک بازیگر استراتژیک در این زمینه، فعالیت‌های نظامی خود را در منطقه افزایش داده است. ابوظبی تعدادی پایگاه نظامی در منطقه از جمله شهرها و جزایر بربرا (سومالی‌لند-سومالی)، بوساسو (پونتلند-سومالی)، سقطری (یمن)، پریم (یمن) و عصب (اریتره) تأسیس کرده است. این پایگاه‌ها به امارات متحده عربی کمک خواهد کرد تا به یک قدرت استراتژیک در خلیج عدن و مسیر کانال سوئز تبدیل شود (Telci and Horoz 2018). امارات متحده عربی همچنین از درگیری در یمن در راستای هدف خود برای تبدیل شدن به یک بازیگر استراتژیک در خلیج عدن استفاده کرده است.

بازیگر دیگری که حضور فزاینده‌ای در منطقه دارد ترکیه است. دلایل مختلفی برای فعالیت‌های ترکیه در منطقه شاخ آفریقا وجود دارد. اول از همه، ترکیه با تقریباً تمام کشورهای شاخ آفریقا پیوندهای تاریخی و فرهنگی دارد. این ارتباطات به ترکیه حق مشروعی برای برقراری روابط قوی با دولت و جوامع منطقه می‌دهد؛ بنابراین، آنکارا تلاش کرده است از طریق ابزارهای فرهنگی، اقتصادی و سیاسی با این کشورها ارتباط برقرار کند. دلیل دیگری که ترکیه به‌طور فزاینده‌ای در سیاست‌های شاخ آفریقا دخالت دارد، اقتصادی است. اقتصاد ترکیه به‌سرعت در حال رشد بوده و آنکارا قصد دارد بازارهای خود را متنوع کند. ترکیه اهمیت زیادی به بازارهای آفریقا داده و بنابراین فعالیت‌های اقتصادی

خود را در منطقه شاخ آفریقا افزایش داده است. سوم پویایی رقابت بین ترکیه و کشورهای خلیج فارس، به ویژه امارات متحده عربی و عربستان سعودی است. نمونه خوبی از این رقابت را می‌توان در شاخ آفریقا مشاهده کرد. در طول سال‌ها، ترکیه احساس کرد که باید به یک بازیگر فعال سیاست خارجی در منطقه تبدیل شود زیرا سایر بازیگران منافع ترکیه را تهدید می‌کردند. آنکارا تصمیم گرفت یک پایگاه نظامی در سومالی افتتاح کند که در آن سربازان ترکیه نیروهای امنیتی سومالی را آموزش می‌دهند (Van den Berg and Meester, 2019).

کشورهایی که به طور فزاینده‌ای درگیر سیاست شاخ آفریقا شده‌اند، قطر، عربستان سعودی و مصر هستند. درحالی که این بازیگران تعاملات خود را با کشورهای شاخ آفریقا افزایش داده‌اند، آن‌ها همچنین سعی می‌کنند بر روندهای سیاسی در منطقه تأثیر بگذارند. به ویژه، قطر در نتیجه رقابت با کشورهای خلیج فارس به منطقه شاخ آفریقا علاقه‌مند شده است. می‌توان مشاهده کرد که رقابت فزاینده‌ای بین دوحه و رقبای خلیجی آن مانند ریاض و ابوظبی، به ویژه بر سر نفوذ در منطقه شاخ آفریقا وجود دارد (حاج زر گرباشی و لطفی، ۱۴۰۲). از سوی دیگر، مصر نگران اثرات منفی پروژه سد بزرگ النهضه اتیوپی بوده است. علیرغم درخواست‌های دولت مصر، دولت اتیوپی پروژه سد را ادامه داده است و این امر به منبع تنش بین قاهره و آدیس آبابا تبدیل شده است (Johnson, 2019).

ابتکارات کشورهای علاقه‌مند به شاخ آفریقا هرگز بدون اشکال نبوده‌اند. هم بحران‌های میان کشورهای منطقه و هم برنامه‌های متفاوت بازیگران علاقه‌مند به منطقه، کشورهای شاخ آفریقا را به سوءظن نسبت به منافع خارجی سوق داده است. انگیزه‌های این کشورها و آرزوهای پنهانی آن‌ها برای کشورهای منطقه نگران‌کننده بوده است. از سوی دیگر، این دولت‌های فقیر از نظر اقتصادی و ناپایدار از نظر سیاسی نمی‌خواستند علاقه و حمایت کشورهای ثروتمند خلیج فارس یا بازیگران دارای نفوذ بین‌المللی را رد کنند. با توجه به این شبکه منافع و نفوذ، کشورهای شاخ آفریقا در استقبال از دخالت بازیگران خارجی در سیاست‌های منطقه محتاط بودند. این امر به ویژه در چند سال گذشته بیشتر آشکار شده است.

ابزارهای مداخله

فعالیت‌های بازیگران منطقه‌ای در شاخ آفریقا با اجرای ابزارهای خاصی امکان‌پذیر شد. می‌توان مشاهده کرد که بازیگران منطقه‌ای که در سیاست‌های شاخ آفریقا فعال هستند از ابزارهای مختلفی مانند همکاری سیاسی، مشوق‌های اقتصادی، فعالیت‌های نظامی، کمک‌های مالی و بشردوستانه و همکاری فرهنگی استفاده می‌کنند. هر کشور بر برخی از این ابزارها تمرکز می‌کند تا در منطقه اعمال قدرت کند و در رقابت منطقه‌ای درگیر شود. برخی از کشورها، مانند عربستان سعودی، امارات متحده عربی و مصر، به‌طور مشترک ابزارهای خود را برای دستیابی موفقیت‌آمیز به یک هدف مشترک به کار گرفته‌اند (Mansour and Ahmed 2019). ترکیه و قطر نیز در اجرای برخی از این ابزارها با هم همکاری می‌کنند (جدول ۲). همکاری سیاسی رایج‌ترین ابزار برای نفوذ خارجی در شاخ آفریقا است. کشورها تلاش می‌کنند در ازای حمایت در سیاست‌های منطقه‌ای و جهانی، همکاری سیاسی قوی با کشورهای شاخ آفریقا برقرار کنند. همکاری سیاسی معمولاً به مشوق‌های اقتصادی و کمک‌های مالی تبدیل می‌شود.

جدول ۲. ابزار بازیگران منطقه‌ای در سیاست‌های آن‌ها نسبت به شاخ آفریقا (منبع: نگارنده)

بازیگر	همکاری سیاسی	مشوق‌های اقتصادی	فعالیت‌های نظامی	کمک‌های مالی	همکاری فرهنگی	کمک‌های بشردوستانه
ترکیه	بله	بله	بله	بله	بله	بله
امارات متحده عربی	بله	بله	بله	بله	خیر	بله
قطر	بله	بله	خیر	بله	بله	بله
عربستان سعودی	بله	بله	خیر	بله	خیر	بله
مصر	بله	خیر	خیر	خیر	خیر	خیر
ایران	بله	خیر	خیر	خیر	بله	بله

ابزار رایج دیگر کمک‌های مالی و سایر مشوق‌های اقتصادی مانند وعده‌های سرمایه‌گذاری، پروژه‌های زیرساختی و وام‌های بلندمدت است. به‌ویژه، کشورهای خلیج فارس که از منابع انرژی غنی هستند، مشتاق تعامل با کشورهای شاخ آفریقا از طریق چنین ابزارهای اقتصادی هستند (Abu-Sirriya, 2019). به‌عنوان مثال، امارات متحده عربی در این زمینه یک بازیگر تهاجمی بوده است. امارات متحده عربی همچنین تلاش کرد در منطقه سومالی‌لند سومالی بنادری بسازد. از سوی دیگر، عربستان سعودی به دولت‌ها در شاخ آفریقا کمک مالی ارائه کرد. ترکیه و قطر نیز از ابزارهای مشابهی استفاده کردند، اما آن‌ها در درجه اول هدفشان کمک به توسعه این کشورها بود.

کمک‌های بشردوستانه ابزار دیگری است که برای نفوذ در شاخ آفریقا در دسترس است. برخی از بازیگران از این ابزارها برای کسب حمایت از جامعه محلی استفاده می‌کنند تا پروژه‌های بسیار بزرگ‌تر خود را راحت‌تر اجرا کنند. اغلب گزارش شده است که کشورهایی مانند امارات متحده عربی و عربستان سعودی در زمان روابط دوستانه چنین حمایتی را ارائه می‌دهند، اما ممکن است هنگامی که روابط آن‌ها با این کشورها تیره شود، چنین فعالیت‌هایی را لغو کنند. در مقابل، کمک‌های بشردوستانه قطر و ترکیه بدون قید و شرط ارائه می‌شود و ماهیت مستمر دارند. ایران نیز صادرکننده مهم کمک‌های بشردوستانه به کشورهای شاخ آفریقا است. این در واقع یک ابزار ویژه برای تهران است زیرا راه‌های محدودی برای دخالت ایران در تحولات اجتماعی و سیاسی شاخ آفریقا وجود دارد که عمدتاً به دلیل تفاوت‌های فرهنگی و همچنین مجاورت جغرافیایی است. با این حال، ایران مشتاقانه کمک‌های بشردوستانه، به‌ویژه به سومالی و جیبوتی، عمدتاً با جمعیت هلال‌احمر ایران ارسال می‌کند (Mari 2017).

فعالیت‌های نظامی نیز ابزار مهمی برای طرف‌های خارجی است که با شاخ آفریقا درگیر هستند. این به‌ویژه برای دو بازیگر رقیب - ترکیه و امارات متحده عربی - صادق است. باید توجه داشت که ترکیه اولین پایگاه نظامی خارجی خود را در سومالی تأسیس کرد. با این حال، فعالیت‌های نظامی اماراتی هدفشان حمایت از ادارات و نهادهای محلی

نیست بلکه بر دادن موقعیت استراتژیک به امارات متحده عربی در سیاست‌های منطقه‌ای متمرکز است (میرزایی تبار، ۱۴۰۲). بازیگر کمتر قابل مشاهده در استفاده از فعالیت‌های نظامی ایران است. ابتکارات تهران در این زمینه به دلیل روابط نزدیک بین کشورهای شاخ آفریقا و بازیگران قوی ضد ایرانی، مانند ایالات متحده و اسرائیل، عمدتاً شکست خورد. در حالی که جیبوتی روابط قوی با ایالات متحده دارد، اریتره برای امنیت رژیم خود به روابط با اسرائیل متکی است (Mari 2017). در حالی که سومالی تفاوت‌های عمده فرهنگی و سیاسی با ایران دارد، اتیوپی بزرگ‌تر و مستحکم‌تر از آن است که دولت تهران بتواند بر آن نفوذ کند. این الگوهای رابطه دلایل اصلی محدودیت نفوذ ایران با کشورهای شاخ آفریقا بودند.

الگوهای روابط

الگوهای رابطه بین بازیگران منطقه‌ای و کشورهای شاخ آفریقا اهمیت حیاتی برای درک جامع اتحادها و همچنین پویایی‌های درگیری دارد (جدول ۳). باید توجه داشت که تحولات سیاسی، رویدادها، ملاحظات اقتصادی، تغییرات سیاست و همچنین تحولات بین‌المللی می‌توانند تأثیر بزرگی بر این الگوهای رابطه داشته باشند و تغییر سریعی در روابط دوجانبه بین بازیگران منطقه‌ای و کشورهای شاخ آفریقا ایجاد کنند. الگوهای رابطه در شاخ آفریقا دائماً در حال تغییر است. در حالی که شش بازیگر منطقه‌ای - ترکیه، قطر، امارات متحده عربی، عربستان سعودی، مصر و ایران - برای نفوذ مطابق با جایگاه خود در منطقه رقابت می‌کنند، کشورهای شاخ آفریقا نیز در تلاش برای تصمیم‌گیری در مورد اینکه از کدام بازیگر بیشترین بهره را خواهند برد، هستند. همان‌طور که اتحادها با توجه به چشم‌انداز ژئوپلیتیکی منطقه در حال تغییر هستند، ذهنیت مردم کشورهای شاخ آفریقا نیز در حال تغییر است. یک نکته مهم در این رابطه این است که کشورهای شاخ آفریقا تلاش کرده‌اند تا مشارکت‌های مثبت و اتحادهای حیاتی با قدرت‌های جهانی مانند ایالات متحده، روسیه و چین را حفظ کنند (Rogin, 2018).

جدول ۳. الگوهای روابط (منبع: نگارنده)

بازیرگر	ترکیه	قطر	ایران	امارات متحده عربی	عربستان سعودی	مصر
اتیوپی	دوستانه	دوستانه	محدود	دوستانه	دوستانه	رویارویی
اریتره	متشنج	متشنج	محدود	دوستانه	دوستانه	دوستانه
جیبوتی	دوستانه	متشنج	دوستانه	رویارویی	دوستانه	دوستانه
سومالی	اتحاد	اتحاد	دوستانه	رویارویی	رویارویی	دوستانه

اگرچه هر یک از شش بازیگر منطقه‌ای دستور کارهای خاص خود را در منطقه دارند، الگوهای روابط امارات متحده عربی، عربستان سعودی و مصر را می‌توان از الگوهای ترکیه و قطر از نظر روابط آشکارا خصمانه‌تر و تقابلی‌تری که با کشورهای شاخ آفریقا دارند، متمایز کرد. می‌توان استدلال کرد که الگوهای رابطه این سه کشور با کشورهای شاخ آفریقا را می‌توان به‌عنوان بخشی از تلاش‌های تنوع‌بخشی اقتصادی آن‌ها ارزیابی کرد. همچنین، دلیل دیگر این سه بازیگر، به‌ویژه امارات متحده عربی و عربستان سعودی، ایجاد یک مسیر تجارت دریایی کاملاً تحت کنترل خود یا با کشورهای مورد انتخاب خود است. از سوی دیگر، ایران شاخ آفریقا را به‌عنوان محلی برای کمک به سیاست‌های توسعه‌طلبانه تهران و همچنین منافع استراتژیک می‌بیند. منافع سیاسی، ایدئولوژیک، اقتصادی و استراتژیک انگیزه‌های اصلی برای ابتکارات تهران برای مشارکت در تحولات سیاسی شاخ آفریقا هستند (Lefebvre, 2014).

در مورد الگوهای رابطه فعلی کشورهای شاخ آفریقا با قدرت‌های منطقه‌ای، به نظر می‌رسد اتیوپی سازگارترین کشور باشد. اگرچه هر شش قدرت منطقه‌ای سهم متفاوتی در سیاست خارجی اتیوپی و آینده کشور دارند، روابط دوجانبه با اتیوپی، به‌ویژه پس از حل اخیر اختلافات با همسایه خود اریتره، شاهد دوره مثبتی بوده است. اتیوپی تنها با مصر رابطه تقابلی دارد، به‌ویژه به دلیل برنامه‌های اتیوپی برای ساخت یک سد عظیم که مانع از دریافت تمام درآمدهای مربوط به آب در منطقه توسط مصر

شده است (حاج زرگرباشی و لطفی، ۱۴۰۲).

همان طور که قبلاً ذکر شد، امارات متحده عربی، عربستان سعودی و مصر با احتیاط منافع مشترکی در منطقه دارند و بنابراین به نظر می‌رسد مایل به همکاری باشند. در مورد اریتره، باید اذعان کرد که اریتره روابط دوستانه مثبتی با این بلوک و روابط پرتنش با ترکیه و قطر دارد. اریتره یکی از نقاط حساس بحرانی است که امکان کنترل از طریق دریای سرخ و باب‌المندب را فراهم می‌کند. دلیل اصلی اینکه اریتره روابط دوستانه با این بلوک را حفظ کرده این است که تلاش کرده است کمک‌های مالی اماراتی و سعودی را در کشور نگه دارد در ازای اجاره و اختصاص بنادر و زمین‌های حیاتی - مانند عصب - به‌ویژه به اماراتی‌ها. اریتره همچنین برای اماراتی‌ها و سعودی‌ها در کنترل جاه‌طلبی‌های اتیوپی حیاتی است (وریج کاظمی، ۱۴۰۰).

کشور مهم دیگر شاخ آفریقا جیبوتی است. به دلیل تعداد زیاد پایگاه‌های نظامی خارجی، در ادبیات به‌عنوان «کشور پایگاه خارجی» نامیده شده است. جیبوتی می‌تواند از نظر اندازه و جمعیت کوچک باشد، اما روابط خارجی آن در مقایسه با اتیوپی، اریتره و سومالی به وضوح پیچیدگی بیشتری را نشان می‌دهد. درحالی‌که جیبوتی روابط «دوستانه» با ترکیه، عربستان سعودی و مصر دارد، با قطر روابط پرتنش دارد. این عمدتاً به دلیل این واقعیت است که جیبوتی در طول محاصره سیاسی و اقتصادی قطر که از تابستان ۲۰۱۷ آغاز شد، از عربستان سعودی حمایت کرده بود. روابط جیبوتی - امارات متحده عربی نیز اخیراً تقابلی شده است. پس از اختلاف با شرکت بنادر جهانی دبی (DP World)، مقامات جیبوتی تصمیم گرفتند کنترل بندر دوراله خود را که قبلاً توسط شرکت اماراتی اداره می‌شد، پس بگیرند (امیری، ۱۳۹۷).

سومالی که با آشوب داخلی دست‌وپنجه نرم می‌کند، دوران پرتلاطمی را پشت سر می‌گذارد زیرا دولت مرکزی در کنترل کشور با مشکلاتی روبرو بوده است. با تصمیم برخی از قدرت‌های منطقه‌ای برای انجام تجارت با مناطق جدایی‌طلب مانند سومالی‌لند، پوتلند و جوبالند، مبارزات داخلی سومالی در چشم‌انداز سیاست خارجی

کشور منعکس شده است. به دلیل حمایت و به رسمیت شناختن جزئی مناطق جدایی طلب، امارات متحده عربی و عربستان سعودی ابزارهای خود را در تأثیرگذاری بر فرآیندهای انتقال سیاسی از دست دادند و خطر از دست دادن نهایی سهم سیاست خارجی خود در سومالی را به جان خریدند (نجات، موسوی و صارمی، ۱۳۹۵)؛ بنابراین، روابطی که سومالی با امارات متحده عربی و عربستان سعودی دارد بدتر شده و ماهیتاً تقابلی است. با این حال، وضعیت سومالی به نقطه‌ای رسیده است که به نظر می‌رسد با کمک ترکیه و قطر قابل مدیریت باشد (Salacanian 2019). به ویژه در سومالی، ترکیه کمک‌های بشردوستانه، کمک‌های غذایی و کارهای عمومی زیادی انجام می‌دهد (Baez, 2024).

پیامدهای ژئوپلیتیکی رقابت بازیگران خاورمیانه در شاخ آفریقا

افزایش نفوذ بازیگران خاورمیانه در یکی از مناطق حیاتی اما بی ثبات جهان - شاخ آفریقا - پیامدهای ژئوپلیتیک مثبت و منفی دارد. به عنوان مثال، نقش بازیگران خاورمیانه (عربستان سعودی و امارات متحده عربی) در بازگرداندن صلح بین اتیوپی و اریتره، قطعاً تأثیرات ژئوپلیتیک مثبتی در شاخ آفریقا داشته است. بازیگران خاورمیانه همچنین نقش مثبتی در روند پیچیده گذار در سودان پس از سقوط دولت عمر البشیر ایفا کردند. علاوه بر این، بازیگران خاورمیانه به شدت در فعالیت‌های سرمایه‌گذاری، میانجی‌گری، حفظ صلح، لجستیک دریایی و ارائه کمک‌های بشردوستانه مشغول هستند (Donelli, 2020). از سوی دیگر، در دو دهه گذشته، بازیگران خاورمیانه به شاخ آفریقا به عنوان منطقه‌ای آزمایشی برای نشان دادن عمق ظرفیت‌های سیاسی، نظامی، اقتصادی و دیپلماتیک بازیگران خاورمیانه نگاه می‌کردند. با این حال، در فرآیند نشان دادن خود به عنوان ذینفعان بین‌المللی در صحنه جهانی، چشم‌انداز ژئوپلیتیک منطقه شاخ آفریقا شکننده‌تر از همیشه شده است.

با این حال، مشارکت‌های بلندپروازانه و پیچیده بازیگران خاورمیانه در شاخ آفریقا، به طرق مختلف، بر چشم‌انداز سیاسی محلی منطقه تأثیر گذاشته است. مهم‌تر

این است که همان طور که بازیگران رقیب خاورمیانه با منافع اصلی متضاد به منطقه مهم ژئوپلیتیکی شاخ آفریقا جذب می‌شوند، بازیگران سیاسی محلی ناظران معمولی نبوده‌اند؛ بلکه از کارت‌های بازی خود برای شکل دادن به دخالت بازیگران خارجی در منطقه استفاده می‌کنند. در این رابطه، به‌عنوان مثال، سومالی، جیبوتی و اریتره سعی می‌کنند از موقعیت استراتژیک خود در امتداد ساحل منطقه شاخ آفریقا به‌عنوان کارتی برای تأثیرگذاری بر پیکربندی فعالیت‌های بازیگران فرامنطقه‌ای در منطقه استفاده کنند. به همین ترتیب، در الگوی شکل دادن به دخالت بازیگران خارجی در منطقه، اتیوپی و کنیا سعی می‌کنند از وضعیت سیاسی و اقتصادی تأثیرگذار خود به‌عنوان کارتی برای پیشبرد منافع داخلی خود استفاده کنند. به این معنی که سیاست محلی منطقه شاخ آفریقا نیز با دعوت از بازیگران خارجی به پیچیدگی‌های منطقه‌ای، تأثیر عمیقی بر شکل دادن به ژئوپلیتیک شاخ آفریقا دارد (Lanfranchi, 2021).

از طرف دیگر، بازیگران محلی با بازیگران فرامنطقه‌ای همسو می‌شوند تا حامیان خارجی بالقوه برای پیچیدگی‌های محلی پیدا کنند. اگرچه این ارتباط دوطرفه بین بازیگران محلی و بازیگران فرامنطقه‌ای - با اهداف متنوع - چشم‌انداز ژئوپلیتیک منطقه بی‌ثبات شاخ آفریقا را پیچیده کرده است، هیچ حرکتی از سوی بازیگران محلی، حتی برای کاهش نفوذ بازیگران فرامنطقه‌ای صورت نگرفته است. در عوض، بازیگران محلی سعی کردند از تمام ابزارهای لازم در دسترس برای همسو شدن با بازیگران فرامنطقه‌ای استفاده کنند. با این حال، همکاری بازیگران محلی با بازیگران خاورمیانه به طور عمیق توازن قدرت محلی را به چالش کشیده و صلح منطقه را بیش از هر زمان دیگری تضعیف کرده است (Ragab, 2017).

علاوه بر این، ارتباط دوطرفه کنترل نشده و نامتعادل بین بازیگران محلی (به دنبال حمایت خارجی) و بازیگران خاورمیانه (که به طور بالقوه از بازیگران محلی به‌عنوان عوامل نیابتی استفاده می‌کنند) نیز امنیت منطقه را به چالش کشیده است. این موضوع به این دلیل است که از طریق این اتحادها، اختلافات بین‌المللی می‌توانند به سرعت به

سیاست داخلی سرایت کنند و تنش‌های موجود محلی را در صورتی که هر طرف تصور کند می‌تواند به حمایت قوی خارجی متکی باشد، بزرگنمایی کنند (Lanfranchi, 2021).

سرایت تنش‌های خاورمیانه به شاخ آفریقا به طور قابل توجهی در طول بحران خلیج فارس در سال ۲۰۱۷ آشکار است. موقعیت متفاوت رقابت قدرت‌های خاورمیانه بر سر مسائل منطقه‌ای در به اصطلاح «بحران خلیج فارس» در سال ۲۰۱۷ به اوج خود رسید. در نتیجه، کشورهایمانند سوماتی به قربانیان اصلی واردات تنش‌ها بین بلوک‌های رقیب خاورمیانه تبدیل شدند. سرایت رقابت قدرت‌های خاورمیانه، به یک یا چند روش، به تولید درگیری‌ها و تنش‌های بیشتر در تقسیمات سیاسی موگادیشو کمک کرده است. اختلاف بین دولت فدرال سوماتی (FGS) و ایالت‌های عضو فدرال (FMSs) - که ریشه در اختلافات سیاسی بر سر تقسیم قدرت فدرال دارد - با اتکای فزاینده هر دو طرف به حامیان خارجی رقیب (ترکیه و قطر برای FGS؛ امارات برای FMSs) سخت‌تر شده است. (Lanfranchi, 2021). از سوی دیگر، بحران‌های ژئوپلیتیکی منطقه ناپایدار شاخ آفریقا تحت تأثیر اختلاف بازیگران فرا منطقه‌ای بر سر پایگاه‌های نظامی در اریتره، جیبوتی، سوماتی و سودان شکل گرفته است. رقابت بر سر پایگاه‌های نظامی در شاخ آفریقا یکی از دلایل بی‌ثباتی در این منطقه است، جایی که کشورها به طور مکرر درگیر نظام‌های اقتدارگرای ریشه‌دار شده‌اند و بازیگران خاورمیانه و جهانی به حامیان اصلی و تأمین‌کنندگان مالی این دولت‌های اقتدارگرا تبدیل شده‌اند. (Melvin, 2019).

چالش‌های امنیتی رقابت بازیگران خاورمیانه در شاخ آفریقا

در ژئوپلیتیک جدید و متغیر شاخ آفریقا، نقش بازیگران منطقه‌ای نوظهور کم‌اهمیت نیست. حرکت قاطعانه کشورهای خاورمیانه برای ظهور به عنوان تأمین‌کننده امنیت غالب و اعمال قدرت در شاخ آفریقا، تغییرات سیاسی را در منطقه تحت تأثیر قرار داده است. این تغییرات سیاسی شامل بازتوزیع قدرت، تغییر اتحادها و تغییرات رژیم

می شود. در دو دهه گذشته، ماهیت رقابتی دخالت بازیگران خاورمیانه همراه با اشتباهی فزاینده آن‌ها برای حضور نظامی و اقتصادی در منطقه شاخ آفریقا، امنیت این منطقه را تضعیف کرده است. سکوت نسبی بازیگران سنتی برای مهار رقابت‌های بازیگران نوظهور نیز مجموعه امنیتی این زیرمنطقه را بیش از هر زمان دیگری پیچیده تر کرده است. اقدامات نظامی بی سابقه کشورهای نوظهور خاورمیانه، توسعه بنادر، رقابت منطقه‌ای و ایجاد پایگاه، خطر نظامی شدن شاخ آفریقا را به همراه دارد. به طور مشابه، نبردهای سیاسی و ایدئولوژیک در میان کشورهای خاورمیانه در شاخ آفریقا گزارش شده است که تنش امنیتی را در این زیرمنطقه افزایش داده است. (Kabandula & Shaw, 2018, p. 13).

نظامی شدن و رقابت منطقه‌ای کشورهای خاورمیانه در شاخ آفریقا به ویژه پس از بهار عربی (۲۰۱۱)، جنگ در یمن (۲۰۱۵) و تفرقه در شورای همکاری خلیج فارس (۲۰۱۷) رشد کرد. درگیری مسلحانه در یمن، به عنوان مثال، ایران را دعوت می کند تا قدرت خود را فراتر از خلیج فارس اعمال کند. عربستان سعودی از سوی دیگر، نمی خواهد حضور فعال ایران را در بحران یمن ببیند. در نتیجه، جنگ نیابتی عربستان-ایران در یمن آغاز شد. متعاقباً، درگیری مسلحانه در یمن و نقش نیابتی بازیگران خاورمیانه در جنگ، اهمیت ژئوپلیتیکی شاخ آفریقا را به دلیل موقعیت استراتژیک آن افزایش داد (میرزایی تبار، ۱۴۰۱).

همان طور که در بخش‌های فوق ذکر شد، تفرقه سیاسی در شورای همکاری خلیج فارس و فضای سیاسی شکننده متعاقب آن در میان کشورهای عضو باعث تغییر توزیع قدرت منطقه‌ای و تغییر اتحادها شد. در تغییر سیاسی و قطبی شدن اختلافات منطقه‌ای، محور ریاض-ابوظبی-منامه قطر را در گروه شورای همکاری خلیج فارس به حاشیه راند. شکاف در شورای همکاری خلیج فارس ترکیه را دعوت می کند تا خود را به عنوان متحد نزدیک قطر هم از نظر مادی و هم نمادین مطرح کند. این فضای سیاسی شکننده در خاورمیانه به طرق مختلف در شاخ آفریقا نمود پیدا کرده و سرریز شده

است، زیرا کشورهای منطقه یا به نفع قطر یا علیه آن همسو شدند. تنش‌ها افزایش یافت و حتی منجر به دخالت بیشتر کشورهای خاورمیانه در شاخ آفریقا شد (Donelli & Cannon, 2021, p. 6). از این رو، منافع متضاد کشورهای خاورمیانه و عدم توازن قدرت با کشورهای شاخ آفریقا در حال ایجاد ناامنی و تشدید بی‌ثباتی منطقه است. از سوی دیگر، نظامی شدن تدریجی شاخ آفریقا، بی‌ثباتی منطقه را افزایش داده است که در آن برخی از قدرت‌های خاورمیانه به راحتی حضور خود را در منطقه مشروعیت می‌بخشند. این وضعیت همچنین توازن منطقه‌ای و توزیع قدرت را درهم شکسته است. علاوه بر این، رقابت فزاینده برخی کشورهای خاورمیانه برای منطقه شاخ آفریقا، احتمال همسویی و تغییر اتحاد در این زیرمنطقه را افزایش داده است که کشورهای خاورمیانه قطعاً پشت این ابتکار آشکار هستند؛ بنابراین، در فرآیند این همسویی و تغییر اتحاد، نظم و سیستم زیرمنطقه با وارد کردن رقابت‌های قدرت از خاورمیانه به شاخ آفریقا تضعیف می‌شود که در نهایت منجر به تشدید بی‌ثباتی منطقه می‌شود. در این زمینه، به عنوان مثال، اریتره و سودان در تلاش برای کسب حداکثر منفعت از تشدید تنش‌های خاورمیانه، تصمیم گرفتند روابط خود را با تهران قطع کنند و به نفع نزدیکی با پادشاهی‌های خلیج فارس اقدام کنند. مهم‌تر از همه، مشکلات داخلی چندلایه شاخ آفریقا مانند درگیری‌های داخلی و بین‌کشوری؛ فعالیت‌های شورشی و ضد شورشی؛ وجود برخی دولت‌های ضعیف و شکست‌خورده؛ و اهمیت فزاینده دریای سرخ و خلیج عدن در ژئوپلیتیک جهانی، شاخ آفریقا را در معرض نفوذ خارجی قرار داده است (Donelli & Gonzalez-Levaggi, 2021, p. 8).

با این حال، این استدلال که کشورهای خاورمیانه توانایی معرفی خود را به عنوان دینفعان امنیت شاخ آفریقا دارند با سه مشکل اساسی روبرو است. اول، سیاست مداخله جویانه کشورهای خاورمیانه و رقابت قطبی شده توجه سایر بازیگران غیر خاورمیانه‌ای مانند ترکیه و چین را به شاخ آفریقا جلب می‌کند. سیاست ترکیه برای تقویت قدرت سخت خود در منطقه، پادشاهی‌های خلیج فارس را به افزایش دو برابری

قدرت سخت خود در شاخ آفریقا سوق داده است که به نوبه خود بازیگران محلی را به انتخاب طرف خود دعوت می‌کند. دو، قدرت‌نمایی کشورهای خاورمیانه در شاخ آفریقا به عنوان ذینفعان امنیتی تا حدی ناقص است. این نقص به این دلیل است که برخی از کشورهای خاورمیانه خود در یک محیط امنیتی ناپایدار قرار دارند که در آن پیچیدگی‌های چندلایه در حال افزایش است. بر این اساس، از آنجایی که معضل امنیتی در خاورمیانه کمتر از معضل امنیتی در شاخ آفریقا نیست، حضور کشورهای خاورمیانه به عنوان ذینفعان امنیتی در شاخ آفریقا، یک محاسبه ساده برای انتقال و خنثی کردن رقابت منطقه‌ای خود از خاورمیانه به شاخ آفریقا است.

سه، اگرچه کشورهای خاورمیانه خود را به عنوان ذینفعان امنیتی در شاخ آفریقا معرفی می‌کنند، اما قدرت‌نمایی آن‌ها نتوانسته بار امنیتی منطقه را کاهش دهد. در عوض، قدرت‌نمایی کشورهای خاورمیانه باعث نظامی شدن بیشتر شاخ آفریقا شده است، جایی که شرایط امنیتی هر روز تشدید می‌شود.

نتیجه‌گیری

با وجود دخالت مداوم بازیگران منطقه‌ای، شاخ آفریقا احتمالاً شاهد افزایش علاقه قدرت‌های جهانی مانند چین، ایالات متحده آمریکا و روسیه خواهد بود. در آینده شاهد ظهور اتحادهایی بین قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی در رقابت آن‌ها بر سر نفوذ در شاخ آفریقا خواهیم بود. این واقعیت که کشورهای این زیرمنطقه منافع رقابتی و گاهی همپوشانی دارند، منجر به ایجاد الگوهای مختلف روابط با بازیگران منطقه‌ای و همچنین جهانی شده است. بیشتر این الگوهای روابط لزوماً شامل برقراری پیوندهای پراکنده با بازیگران مربوطه بوده، اما به آن محدود نشده است. نیات مختلف شش بازیگر اصلی منطقه‌ای برای منطقه به افزایش اهمیت زیر منطقه در سیاست جهانی اشاره دارد. بازیگران اصلی که به طور کلی سیاست خارجی مداخله‌جویانه و تهاجمی را دنبال می‌کنند، تمایل به استفاده از دخالت سودمحور و سلسله‌مراتبی دارند. در این معنا، ابزارهای ترجیحی دخالت در شاخ آفریقا از برقراری همکاری سیاسی، ارائه

سرایت رقابت‌های منطقه‌ای خاورمیانه به دریای سرخ و شاخ آفریقا ...؛ بخشی تلایبی و عباسی | ۱۳۳

مشوق‌های اقتصادی و کمک‌های مالی تا همکاری فرهنگی و دخالت نظامی متغیر است.

همان‌طور که شش بازیگر اصلی منطقه‌ای ابزار دخالت خود را مطابق با تحولات زیرمنطقه بازسازی می‌کنند، کشورهای شاخ آفریقا نیز مسیرهای سیاست خارجی خود را تغییر داده‌اند. در منطقه‌ای بی‌ثبات و پویا مانند شاخ آفریقا، قدرت‌های جهانی مانند ایالات متحده، روسیه و چین به اقدامات ظرفیت‌سازی علاقه‌مند هستند تا توانایی هدایت روندهای گسترده‌تر سیاست خارجی و اتحاد در منطقه را به دست آورند. مطابق با این ملاحظه جدی، هم بازیگران اصلی منطقه‌ای و هم کشورهای شاخ آفریقا انتخاب‌های احتمالی قدرت جهانی در مورد زیرمنطقه را در نظر می‌گیرند. این بدان معناست که یک استراتژی احتمالی همسویی می‌تواند بهترین راه برای کشورهای شاخ آفریقا برای جلب بیشترین توجه در سال‌های آینده باشد.

نزدیکی جغرافیایی شاخ آفریقا به شبه جزیره عربستان و منافع متضاد و گاه همپوشان کشورهای خاورمیانه در این منطقه به چالشی بزرگ برای امنیت منطقه تبدیل شده است. بیش از هر چیز، صادر کردن رقابت‌های منطقه‌ای خاورمیانه به شاخ آفریقا، به شدت به بی‌ثباتی این منطقه دامن زده است. به همین ترتیب، افزایش کشورهای خاورمیانه برای نظامی‌سازی شاخ آفریقا از یک سو و تماشای منفعلانه بازیگران سنتی جهانی از سوی دیگر، بیش از هر زمان دیگری به بی‌ثباتی شاخ آفریقا انجامیده است. در همین راستا، ظهور سیاست‌های امنیتی بین‌المللی گسترده در شاخ آفریقا باعث افزایش مبارزات نیابتی، تنش‌های ژئوپلیتیکی و گسترش بیشتر دستور کارهای امنیتی خارجی در منطقه شده است.

به‌طور معمول، همان‌طور که اغلب اتفاق می‌افتد، با جذب بیشتر بازیگران رقیب خاورمیانه به منطقه ژئوپلیتیکی مهم شاخ آفریقا با منافع متضاد، بازیگران سیاسی محلی نیز تماشاگران بی‌طرف نبوده‌اند، بلکه از کارت‌های خود برای شکل‌دهی به دخالت بازیگران خارجی در منطقه استفاده کرده‌اند. در این زمینه، سناریوی احتمالی این است

که انتقال فضای امنیتی خاورمیانه و خلیج فارس به شاخ آفریقا، در بهترین حالت، تنش‌های ژئوپلیتیکی و ژئواقتصادی در منطقه را افزایش می‌دهد و در بدترین حالت، جنگی تمام‌عیار بین کشورهای شاخ آفریقا را آغاز می‌کند که باعث فروپاشی نظم منطقه‌ای آسیب‌دیده خواهد شد. باین حال، کمک‌های اقتصادی و بشردوستانه کشورهای خاورمیانه در شاخ آفریقا «جعبه سیاه» خطرناکی است که در منطقه در حال ظهور است - خطری که از رقابت بر سر پایگاه‌های نظامی و قدرت‌نمایی نشأت می‌گیرد.

منابع

۱. امیری، س. (۱۳۹۷). دولت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای و بحران ژئوپلیتیکی و امنیتی یمن با تأکید بر ایران و عربستان و هم‌پیمانان. فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، ۷(۴)، ۱۱۵-۱۴۰.
۲. انوشه، ص. (۱۳۸۷). امنیت منطقه شاخ آفریقا و دخالت قدرت‌ها. *مطالعات راهبردی جهان اسلام*، ۳۶(زمستان)، ۲۷-۵۶.
۳. حاج زرگرباشی، س. ر.، لطفی، م. (۱۴۰۲). رقابت ایران و عربستان در شاخ آفریقا: تلاش برای کسب منزلت و اعتبار منطقه‌ای. *فصلنامه روابط خارجی*، ۱۵(۴)، زمستان.
۴. میرزایی تبار، م. (۱۴۰۱). تبیین ابعاد و علایق ژئوپلیتیکی حضور ایران در شاخ آفریقا. *فصلنامه مطالعات بنیادین و کاربردی جهان اسلام*، ۴(۲)، تابستان.
۵. میرزایی تبار، م. (۱۴۰۲). تبیین ژئوپلیتیکی حضور بازیگران فرامنطقه‌ای در شاخ آفریقا: مطالعه موردی رژیم صهیونیستی. *فصلنامه بحران پژوهی جهان اسلام*، ۱۰(۳۰)، پاییز.
۶. میرشایمر، ج. (۱۳۹۸). *تراژدی سیاست قدرت‌های بزرگ*. غلامعلی چگنی‌زاده (مترجم). تهران: اداره نشر وزارت امور خارجه.
۷. نجات، س. ع.، موسوی، س. ر.، صارمی، م. ر. (۱۳۹۵). راهبرد عربستان سعودی و جمهوری اسلامی ایران در قبال بحران یمن. *فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل*، ۹(۳۳)، ۱۳۷-۱۷۹.
۸. وریج کاظمی، م. (۱۴۰۰). اهمیت تنگه باب‌المندب در تفکر ژئواکونومی بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای. *مجله جغرافیا و روابط انسانی*، ۴(۳)، ۳۲-۴۹.

References

9. Abu-Sirriya, J. (2019, March 19). How the Gulf States' Investments are Destabilizing the Horn of Africa. *Georgetown Security Studies Review*. Retrieved from <https://georgetownsecuritystudiesreview.org/2019/03/19/how-the-gulf-states-investments-are-destabilizing-the-horn-of-africa/>
10. Al Mustafa, H. (2015, October 23). Saudi Diplomacy Distances Iran from Horn of Africa. *Al Arabiya*. Retrieved from <https://english.alarabiya.net/views/news/middle-east/2015/10/23/Saudi-diplomacy-distances-Iran-from-Horn-of-Africa>
11. Baez, K. (2024, June 18). Turkey signed two major deals with Somalia. Will it be able to implement them? *Atlantic Council*. Retrieved from <https://www.atlanticcouncil.org/blogs/turkeysource/turkey-signed-two-major-deals-with-somalia-will-it-be-able-to-implement-them/>

12. Donelli, F. (2020). Determinants of Middle East states involvement in the Horn of Africa. *Middle East Political Science*. Retrieved from <https://pomeps.org/determinants-of-middle-east-states-involvement-in-the-horn-of-africa>.
13. Donelli, F., & Cannon, B. J. (2021). Power projection of Middle East states in the Horn of Africa: Linking security burdens with capabilities. *Small Wars & Insurgencies*, 1–21.
14. Donelli, F., & Gonzalez-Levaggi, A. (2021). Crossing roads: Middle East's security engagement in the Horn of Africa. *Global Change, Peace & Security*, 33(1), 1–16.
15. Eleonora, A. (2018). Gulf Powers: Maritime Rivalry in the Western Indian Ocean | ISPI. ISPI. <https://www.ispionline.it/en/publication/gulf-powers-maritime-rivalry-western-indian-ocean-20212>
16. Fenton-Harvey, J. (2019b, June 25). What is the UAE's Game in the Horn of Africa? *The New Arab*. Retrieved from <https://english.alaraby.co.uk/opinion/whats-uaes-game-horn-africa>
17. Gerges, F. (2014). *The New Middle East: Protest and revolution in the Arab world*. Cambridge University Press.
18. Grira, S. (2020, July 8). Tunisia battleground for Gulf media. *Orient XXI*. Retrieved from <https://orientxxi.info/magazine/tunisia-battleground-for-the-gulf-media,4019>
19. Igrouane, Y. (2019, April 15). Qatar-UAE Power Struggle in Horn of Africa Threatens Somalia's Stability. *Inside Arabia*. Retrieved from <https://insidearabia.com/qatar-uae-power-struggle-horn-africa-threatens-somalias-stability/>
20. Johnson, F. H. (2019, October 23). Gulf States Are Making Their Way to the Horn of Africa. *PRIO*. Retrieved from <https://blogs.prio.org/2019/10/gulf-states-are-making-their-way-to-thehorn-of-africa/>
21. Kabandula, A., & Shaw, T. M. (2018). Rising powers and the Horn of Africa: Conflicting regionalisms. *Third World Quarterly*, 39(12), 1–19.
22. Kirkpatrick, D. (2015, March 1). Recordings suggest Emirates and Egyptian military pushed ousting of Morsi. *The New York Times*. Retrieved from <https://www.nytimes.com/2015/03/02/world/middleeast/recordings-suggest-emirates-and-egyptian-military-pushed-ousting-of-morsi.html>
23. Lanfranchi, G. (2021). Geopolitics meets local politics in the Horn of Africa. *Clingendael Spectator*. Retrieved from <https://spectator.clingendael.org/en/publication/geopolitics-meets-local-politics-horn-africa>.
24. Larssen, J., & Stepputat, F. (2019, May 1). Gulf State Rivalries in the

- Horn of Africa: Time for a Red Sea Policy? Danish Institute for International Studies (DIIS). Retrieved from <https://www.diis.dk/en/research/gulf-state-rivalries-in-the-horn-of-africa-time-a-redsea-policy>
25. Lefebvre, J. (2014, October 27). Iran Keeps Longstanding Ties with Horn of Africa to Outflank Rivals. *World Politics Review*. Retrieved from <https://www.worldpoliticsreview.com/trend-lines/14286/iran-keeps-longstanding-ties-with-horn-of-africa-to-outflank-rivals>
 26. Mansour, S. A., & Ahmed, Y. Y. (2019). Saudi Arabia and UAE in the Horn of Africa: Containing Security Threats from Regional Rivals. *Contemporary Arab Affairs*, 12(3), 99–118.
 27. Mari, M. (2017). Iran in the Face of the International Scramble for Africa. *Journal of Iranian Studies*, 1(2), 56–69.
 28. Melvin, N. (2019). The New External Security Politics of the Horn of Africa Region. *SIPRI Insights on Peace and Security*, (2019/2). Retrieved from <https://www.sipri.org/publications/2019/sipri-insights-peace-and-security/new-external-security-politics-horn-africaregion>
 29. Ragab, E. (2017). Beyond money and diplomacy: Regional policies of Saudi Arabia and UAE after the Arab Spring. *The International Spectator*, 52(2), 37–53.
 30. Rogin, J. (2018, September 28). China is Challenging the U.S. in the Horn of Africa—And Washington is Silent. *The New York Times*. Retrieved from https://www.washingtonpost.com/opinions/global-opinions/china-is-challenging-the-us-in-the-horn-of-africa--and-washington-is-silent/2018/09/27/6b5b5d10-c288-11e8-a1f0-a4051b6ad114_story.html
 31. Rondos, A. (2016). The Horn of Africa—Its Strategic Importance for Europe, the Gulf States, and Beyond. Center for International Relations and Sustainable Development (CIRSD), (6). Retrieved from <https://www.cirsd.org/files/000/000/000/99/01cfafd6447aaa326037d9eb4d427acd326ea71a.pdf>
 32. Salacanin, S. (2019, September 20). Saudi Arabia and Qatar Race to Increase Their Influence in Somalia. *The New Arab*. Retrieved from <https://english.alaraby.co.uk/analysis/saudi-arabia-qatar-rift-over-somalia>
 33. Salem, P. (2018). The rise of violent transnational movements in the Middle East. Middle East Institute, Counterterrorism Studies.
 34. Sankalp, G. (2021). A New Quad in the Western Indian Ocean | Royal United Services Institute. *Rusi*. <https://rusi.org/explore-our-research/publications/commentary/new-quad-western-indian-ocean>
 35. Telci, N. İ., & Horoz, O. T. (2018). Military Bases in the Foreign Policy

- of the United Arab Emirates. *Insight Turkey*, 20(2), 143–165.
36. Todman, W. (2018, November 20). The Gulf scramble for Africa: GCC states' foreign policy laboratory. *Center for Strategies and International Studies*. Retrieved from <https://www.csis.org/analysis/gulf-scramble-africa-gcc-states-foreign-policy-laboratory>.
37. Ursu, A. E., & Van den Berg, W. (2018, April 9). China and EU in the Horn of Africa: Competition and Cooperation? Clingendael: Netherlands Institute of International Relations. Retrieved from <https://www.clingendael.org/publication/china-and-eu-horn-africa>
38. Van den Berg, W., & Meester, J. (2019, May). Turkey in the Horn of Africa: Between the Ankara Consensus and the Gulf Crisis. Clingendael: Netherlands Institute of International Relations. Retrieved from https://www.clingendael.org/sites/default/files/2019-05/PB_Turkey_in_the_Horn_of_Africa_May_2019.pdf
39. Van Genugten, S., & Fikri, A. (2017, February). External Powers in the Horn of Africa: The Case of Iran. Emirates Diplomatic Academy. Retrieved from https://www.agda.ac.ae/docs/default-source/Publications/edainsightexternalpowersinthehoriran_en_final.pdf?sfvrsn=2

استناد به این مقاله: بخشی تلپایی، رامین، عباسی، مجید. (۱۴۰۲). آسرایت رقابت‌های منطقه‌ای خاورمیانه به دریای سرخ و شاخ آفریقا: محرک‌های کلیدی، پیامدها و چالش‌ها، فصلنامه خدمات دریایی و بندری، ۱ (۳)، ۱۱۱-۱۳۸.



Marine and Port Servicesch Journalis licensed under a Creative Commons Attribution-Noncommercial 4.0 International License.